

تضاد و همکاری تجارت و حقوق بشر

در پرتو مقررات سازمان جهانی تجارت

احسان فلاحي*

محمدجعفر جوادی ارجمند**

چکیده

رابطه بین حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت، بخشی کوچک از مسئله قدیمی، اما به روز تجارت و اخلاق است. در روند جهانی شدن عرصه‌های مختلف زندگی بشری را نمی‌توان به آسانی از یکدیگر تفکیک کرد؛ به گونه‌ای که فعالیت‌های اقتصاد بین‌الملل بر حقوق انسان‌ها در دورافتاده‌ترین نقطه این کره خاکی تأثیر دارد. رسالت اصلی سازمان جهانی تجارت هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها با یکدیگر است، اما هدف اصلی نمایندگان کشورها در سازمان‌های بین‌المللی، بیشینه‌سازی منافع دولت متبوع خویش است. در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش هستیم که منافع ملی کشورها چه تأثیراتی بر حقوق بشر در سازمان تجارت جهانی دارد؟ دولت‌های کمتر توسعه یافته و دولت‌های توسعه یافته چنین می‌نمایند که مشتاق ارتباط سازنده میان اصول حقوق بشری با قوانین تجاری در سازمان تجارت جهانی هستند، اما در عمل میان این دو دسته از کشورها جدالی سنگین در جریان است که حقوق بشر را تحت تأثیر منافع تجاری کشورها قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

منافع ملی، حقوق بشر، سازمان جهانی تجارت، حقوق بین‌الملل اقتصادی، جهانی شدن

Email: eh.fallahi@gmail.com

* دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

Email: mjjavad@ut.ac.ir

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱۲

تاریخ ارسال: ۹۶/۲/۲۰

فصلنامه راهبرد / سال بیست‌وششم / شماره ۸۵ / زمستان ۱۳۹۶ / صص ۱۹۰-۱۶۹

جستارگشایی

تجربه دو جنگ جهانی در نیمه نخست قرن بیستم پیامدهای ناگواری برای بشریت به همراه داشت. بعد از جنگ جهانی دوم، دولت‌ها درصدد ایجاد نظم بین‌المللی جدیدی برآمدند. سازمان جهانی تجارت^۱ به‌عنوان وارث گات^۲ نمونه‌ای از نظم‌های پیش‌بینی شده در عرصه اقتصاد بین‌الملل است. با توجه به اولویت مسائل سیاسی و اقتصادی برای دولت‌ها، حقوق بشر در پیمان‌های سیاسی و اقتصادی به‌گونه‌ای که شایسته بشریت باشد لحاظ نگردید. درعین حال ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که هر کس حق برخورداری از نظامی اجتماعی یا بین‌المللی را دارد که در آن حقوق و آزادی‌های مورد اشاره در این اعلامیه به‌طور کامل قابل اجرا باشد. بعد از تشکیل سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ مجموعه مسائل جدیدی در سازمان مطرح شد که به‌طور کامل در حیطه تخصصی سازمان نیست. اکثریت این مباحث همچون محیط‌زیست، عدم تبعیض، استانداردهای اجتماعی، دموکراسی، فرهنگ، بهداشت و غذا و غیره در حوزه حقوق بشر جای می‌گیرد.

رابطه بین حقوق بشر و تجارت سابقه‌ای دیرینه‌تر از پیشینه سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر نوین دارد. از دیرباز رابطه بین اخلاق و تجارت در زندگی انسان‌ها مطرح بوده است. خریدوفروش بردگان، بهره‌کشی از زنان و کودکان، دزدی‌های دریایی و رعایت نکردن انصاف در معاملات نمونه‌هایی از این رابطه در زندگی بشری است. جریان فراملی تجارت حتی چندین قرن پیش از به وجود آمدن دولت‌های ملی مدرن وجود داشته است؛ بنابراین حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت مسئله‌ای نوین در قالب موضوعی کهن است و تفاوت آن با گذشته پیچیده‌تر شدن و تحت تأثیر قرار دادن زندگی انسان‌ها در مقیاسی بسیار وسیع‌تر از روندهای پیشین است. هرچند در عصر کنونی حقوق بشر جزء گفتمان رایج جامعه بین‌المللی شده است؛ اما به لحاظ قانونی فقط کشورها متعهد به رعایت حقوق بشر هستند. با این‌وجود نهادهای بین‌المللی نیز که متشکل از دولت‌ها هستند به‌نوعی ملزم به حمایت از حقوق بشر می‌باشند؛ اما در عمل قوانین بین‌المللی حقوق بشر اساساً در چارچوبی دولت‌محور محصور مانده است و تنها دولت‌ها و قدرت‌های حاکم را مسئول نقض حقوق بشر می‌داند. چنین روندی با فرایند متکثر بین‌المللی در هزاره سوم همخوانی ندارد؛ زیرا در دنیای کنونی سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان بازیگران جدید به ایفای نقش می‌پردازند و با تصمیمات و قانون‌گذاری‌های خود بر حقوق بشر تأثیر می‌گذارند.

1. World Trade Organization (WTO)

2. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

سازمان جهانی تجارت نهادی اقتصادی است. پیگیری حقوق بشر از چنین مجرای با مخالفت‌هایی مواجه است. در صورتی که مصادیق حقوق بشر با منافع ملی کشورها در سازمان جهانی تجارت همخوانی نداشته باشد کشورها رسالت اصلی سازمان را - آزادسازی تجاری و توسعه تولید و تجارت - بهانه‌ای برای طفره رفتن از وظایف حقوق بشری خود قرار می‌دهند. برای مشخص شدن تأثیر منافع ملی دولت‌ها بر حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت، به بخشی‌نگری^۲ نیاز است؛ به این معنی که تأثیر آزادسازی تجاری (عدم تبعیض تجاری)، رقابت‌پذیری کالاها و کسب سود را که تأمین‌کننده منافع ملی برخی دولت‌ها در سازمان جهانی تجارت است در ارتباط با اصول مشخصی از حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد. با استفاده از چنین روشی چهار اصل: عدم تبعیض، شرایط کاری مناسب، دسترسی به دارو و حفاظت از محیط‌زیست مورد بررسی قرار خواهد گرفت. حقوق بشر موضوع پویایی است و طیف وسیعی از موضوعات گوناگون را شامل می‌شود. به همین جهت مصادیقی از حقوق بشر را برگزیده‌ایم که بتوان پیوند نزدیک‌تری میان آنها و مسائل تجاری برقرار کرد.^(۱) دو دسته از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با هدف بیشینه‌سازی منافع تجاری در مواجهه با این مصادیق چالش‌هایی را ایجاد کرده‌اند. در این مقاله هر چند تلاش شده است چالش‌ها و نگرانی‌های اقتصادی و حقوقی در سازمان جهانی تجارت مدنظر قرار گیرد، اما بُعد اخلاقی در حمایت از حقوق بشر، رویکرد اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

در این راستا پرسش‌های این مقاله بدین شرح است: بین حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت چه نوع رابطه‌ای وجود دارد؟ منافع ملی دولت‌ها چه تأثیراتی بر حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت دارد؟ و رویه رایج کشورها در سازمان جهانی تجارت در قبال حقوق بشر چگونه بوده است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، این است که کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، در تلاش برای بیشینه‌سازی منافع ملی خود از طریق سازمان جهانی تجارت می‌باشند. رویارویی این دو دسته از کشورها تأثیر منفی بر حقوق بشر بر جای می‌گذارد.

۱. تبیین نسبت بین حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت

به‌منظور پیوند حقوق بشر با سایر قوانین بین‌المللی باید به‌گونه‌ای قوانین نهادی بین‌المللی را تفسیر کرد که مطابق با الزامات حقوق بشری درآیند (Petersmann, 2001: 4). سازمان جهانی تجارت در دور هشتم مذاکرات گات به‌عنوان نهادی مستقل متولد شد. فصل اول منشور هاوانا که یکی از پایه‌های تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۴ است (ضیایی بیگدلی،

۱۳۸۸: ۲۵۶)، از جمله اهداف سازمان جهانی تجارت را چنین بیان می‌دارد: «تحقق اهداف مندرج در ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد مبتنی بر دستیابی به استانداردهای بالاتر زندگی، اشتغال کامل و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی». عبارت استانداردهای بالاتر زندگی در بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است. بند ۱ ماده ۲ همین میثاق اذعان می‌دارد که: «هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود با سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی، به‌ویژه در طرح‌های اقتصادی و فنی با استفاده از منابع خود به‌منظور تأمین تدریجی حقوق شناخته‌شده در این میثاق عمل کند. قطعنامه شماره چهار کمیسیون حقوق بشر مورخ دوم مارس ۱۹۷۹ صراحتاً حق توسعه را به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر به رسمیت می‌شناسد (Sengupta, 2002: 839)؛ بنابراین حق توسعه و استانداردهای بالاتر زندگی هدف مشترک حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت است که این دو را به هم پیوند می‌زند. برای کشف اهمیت مسائل حقوق بشری در سازمان جهانی تجارت علاوه بر سایر اسناد بین‌المللی می‌توان به اسناد تأسیس خود این سازمان نیز رجوع کرد. طبق این اسناد در دو موقعیت استثنایی می‌توان قوانین سازمان جهانی تجارت را به تعلیق درآورد. نخست در ارتباط با مسائل اقتصادی (اقدامات ضد دامپینگی، سیاست‌های حمایتی از صنایع نوپا و صنایع ورشکسته) که در چارچوب این مقاله نمی‌گنجد. دوم مستثنی‌شدن از قوانین به‌منظور حفظ منافع همگانی جامعه (Lim, 2001) فصل XX موافقت‌نامه گات در بردارنده استثنائات زیر است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با حقوق بشر است:

قسمت (الف) ضرورت حفظ اخلاق عمومی؛

قسمت (ب) ضرورت حفظ سلامت یا زندگی انسان، حیوانات و گیاهان؛

قسمت (ه) مسائل مرتبط با کار زندانیان؛

قسمت (و) محافظت از گنجینه‌های ملی، هنری، تاریخی و باستانی.

علاوه بر این استدلالات حقوقی، تجارت آزاد و حقوق بشر دارای ارزش‌های مشترکی هستند. از جمله این ارزش‌ها می‌توان به آزادی‌های فردی، اصل پاسخگویی، عدم تبعیض، حاکمیت قانون، دسترسی به دادگاه و قضاوت منصفانه، تصویب قوانین ملی و بین‌المللی پارلمانی و ارتقای رفاه اجتماعی از طریق همکاری‌های صلح‌آمیز میان شهروندان اشاره کرد (Petersmann, 2000: 19). سخن از این ارزش‌های مشترک در حالی است که گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ بیان می‌دارد که سازمان جهانی تجارت تهدیدی واقعی برای بخش‌هایی از حقوق بشر، به‌ویژه زنان و کشورهای در حال توسعه است. به‌علاوه جهانی‌شدن

اقتصاد نیز موقعیتی را پدید آورده است که در آن امکان نقض حقوق بشر محتمل تر شده است (Herwing, 2012: 471)؛ بنابراین به زعم نگارندگان سازمان جهانی تجارت به عنوان کارگزار اصلی جهانی شدن اقتصاد، نباید از انتقادات حقوق بشری مصون بماند.

اما صرف وجود رابطه کافی نیست. توضیحات تکمیلی در مورد نوع رابطه میان این دو مقوله می‌تواند برای ارتقای جایگاه حقوق بشر راهگشا باشد. در نگاه نخست، شاید نسبت بین حقوق بشر و تجارت را به صورت سلبی در نظر بگیریم؛ اما در این رابطه حالت همکاری جویانه^۴ نیز مشاهده می‌شود. در حالت مثبت یا همکاری جویانه، ذات قوانین اقتصادی با حقوق بشر هماهنگ پنداشته می‌شود؛ یعنی به طور مستقیم از طریق ابزار تجاری می‌توان به ارتقای حقوق بشر کمک کرد. اما در حالت منفی - تدافعی^۵ تجارت به طور بالقوه در تضاد با دستاوردها و اهداف حقوق بشری قرار دارد (Hilpold, 2011: 331-332). البته هیچ تقسیم‌بندی از این رابطه را نمی‌توان مطلق انگاشت. تعامل بین این دو مقوله می‌تواند ترکیبی از دو حالت بالا باشد. به عبارت دیگر برای پاسخ به این پرسش که رابطه بین حقوق بشر و قوانین تجاری از چه نوعی است؟ باید گفت نیاز به بخشی‌نگری وجود دارد. این شیوه مطالعه، موضوع گزارش گروه مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۶ نیز بوده است. علت بخشی‌نگری مذکور، دولت‌محور بودن سیستم خاص قوانین بین‌المللی اعم از قوانین تجاری یا حقوق بشری است که مجزا از یکدیگر توسعه یافته‌اند (Joseph, 2013: 47). معنای بخشی‌نگری این است که برای مشخص شدن رابطه بین تجارت و حقوق بشر بهتر است که قانون خاصی را در ارتباط با موضوع مشخصی بررسی کرد؛ برای مثال تأثیر قانون خرید و فروش دارو بر سلامتی اقشار کم‌درآمد یا سالمندان در کشورهای در حال توسعه. در این پژوهش چند مورد از شاخص‌ترین قوانین و تصمیمات اتخاذ شده در سازمان جهانی تجارت در ارتباط با چند اصل بنیادین حقوق بشری مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. چالش حقوق بشری در سازمان جهانی تجارت

استفاده از اقتصاد بین‌الملل به عنوان یک ابزار برای ارتقای حقوق بشر را می‌توان از سه بُعد بررسی کرد. از دیدگاه اخلاقی، استفاده از ابزار اقتصادی موجه به نظر می‌رسد. برای مثال ممنوعیت واردات کالاهایی که با استفاده از بهره‌کشی از کار کودکان تولید شده است. از منظر اقتصادی، نباید از اقتصاد به عنوان ابزاری برای اهداف حقوق بشری استفاده کرد. ممنوعیت‌های تجاری - اقتصادی به جای ارتقای حقوق بشر معمولاً به اقشار کم‌درآمد در کشور هدف لطمه

4. Synergistic

5. Negative- Defensive

می‌زند (Zagel, 2005: 5). از بعد حقوقی، حقوق بشر را نمی‌توان در صدر قوانین تجاری قرار داد، بلکه ارتباطی دوجانبه میان این دو برقرار است. حقوق بشر مبانی مشروعیت خود را از مقولاتی مانند بنیادهای اخلاقی، آرمان و تمایل به عدالت، جامعه دموکراتیک و صلح گسترده می‌گیرد. درحالی‌که مبانی مشروعیت تجارت آزاد در مفاهیمی همچون مزیت مطلق و نسبی، سودمندگرایی، کارایی و رشد نهفته است. از سوی دیگر روند تکامل حقوق بشر و قوانین تجاری با یکدیگر متفاوت است. قوانین تجاری به صورت انباشتی، روبنایی و در طول زمان تکامل یافته‌اند، درحالی‌که حقوق بشر امری ذاتی و ثابت است (Cottier, 2002: 114&119). به این معنا که حقوق بشر غیرقابل انتقال و غیرقابل انفکاک از نوع بشرند. با توجه به چنین مبانی متفاوتی چالش بین حقوق بشر و قوانین تجاری در سازمان جهانی تجارت واقعیتی مسلم است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.

از سوی دیگر از سازمان جهانی تجارت می‌توان به‌عنوان یک بازوی قدرتمند در عرصه اقتصاد جهانی برای ارتقای جایگاه حقوق بشر در کشورها بهره برد. محروم شدن کشورها از مزایای اقتصادی به علت رعایت نکردن موازین حقوق بشری، ابزار مناسبی برای وادار کردن آنها به رعایت حقوق بشر است. وضع محدودیت‌های تجاری به دو گونه می‌تواند عمل کند. نخست، برون‌زا که هدف آن ارتقای حقوق بشر در کشور صادرکننده است؛ مانند ممنوع کردن واردات کالاهایی که با استفاده از نیروی کار کودکان تولید شده است. دوم، درون‌زا که به منظور ارتقای حقوق بشر در کشور واردکننده صورت می‌پذیرد؛ برای مثال ممنوعیت واردات سیگار یا گوشت‌های هورمونی که بر سلامتی افراد تأثیرگذار است. این محدودیت‌ها می‌تواند یک‌جانبه یا چندجانبه باشد (Zagel, 2005: 8; Schultz & Ball, 2005: 44). وضع محدودیت‌های تجاری از هر نوعی که باشد با هدف اصلی سازمان جهانی تجارت که رفع موانع تجاری و عدم تبعیض اقتصادی است، در تناقض قرار می‌گیرد؛ حتی برخی از استثنائات که به منظور حفظ موازین حقوق بشری که در اسناد سازمان در نظر گرفته شده است، معمولاً به‌گونه‌ای تفسیر می‌شود که از دید طرفداران حقوق بشر سبب بدنامی بیشتر سازمان جهانی تجارت است.

بر اساس ماده ۵۳ عهدنامه وین، قواعد عام حقوق بین‌الملل در صدر سایر قوانین بین‌المللی قرار دارند. همچنین ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل اذعان می‌دارد که در صورت تعارض بین توافقات بین‌المللی، این منشور بر هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر مقدم است. اما در صورت تعارض بین دو قاعده بین‌المللی که به لحاظ حقوقی دارای ارزش برابری باشند - مانند قواعد حقوق بشری و قواعد سازمان جهانی تجارت - دیگر سازوکارهای رایج پاسخگوی این وضعیت

نخواهند بود. طبق گزارش گروه مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل،^۶ در چنین شرایطی قانونی که خاص‌تر است بر قانونی که دامنه آن عام‌تر است، ارجحیت دارد. به‌عنوان مثال، حقوق بشر دوستانه بر حقوق بشر در زمان مخاصمات مصلحانه اولویت دارد. البته این قاعده زمانی قابل اجرا است که دو قانون حوزه مشترکی را در بر گیرند. حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت موضوع مشترکی ندارند؛ اما دامنه اثرگذاری‌شان بر روی موضوعاتی خاص همپوشانی دارد. ماده ۳۱ عهدنامه وین نیز اشاره می‌کند که یک معاهده باید در پرتو موضوع و هدف مربوطه تفسیر شود. بدین جهت تفسیر حقوق بشری از تصمیمات و قوانین سازمان جهانی تجارت با محدودیت‌هایی مواجه است (Joseph, 2013: 49-50)؛ زیرا سازمان جهانی تجارت اساساً سازمانی اقتصادی بنیان است. بسیاری از مخالفان معتقدند مسائل حقوق بشری بهتر است در نهادهای مربوط پیگیری شود. از سوی دیگر بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۷ دولت‌های عضو باید هنگام امضای یک قرارداد یا پیوستن به یک سازمان، تعهداتی را که بر اساس این منشور برعهده گرفته‌اند، مدنظر قرار دهند؛ بنابراین کشورها در روند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت باید تعهداتی را که بر اساس میثاق پذیرفته‌اند توجه کنند. هر یک از اعضای سازمان جهانی تجارت حداقل در یکی از پیمان‌های حقوق بشری عضویت دارند؛ اما همه اعضا را به‌طور یکسان نمی‌توان در ذیل پیمانی مشخص قرار داد (OHCHR, 2014). همین موضوع تعریف استاندارد حقوق بشری یکسان در سازمان جهانی تجارت را دشوارتر می‌کند. علاوه بر این، سازمان جهانی تجارت سازمانی بین‌الدولی است. به همین دلیل، پیگیری حقوق بشر معمولاً محل مناقشه کشورها قرار می‌گیرد. هدف اصلی نمایندگان، نه مسئله حقوق بشر؛ بلکه ارتقای منافع ملی کشور متبوع خود است. در یک نگاه کلی این تعارض بین دو دسته از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بیشتر به چشم می‌خورد که در ادامه و در قالب چهار مصداق به تشریح تعارض می‌پردازیم.

۳. قاعده منع تبعیض

ممنوعیت تبعیض یا به‌عبارت‌دیگر تضمین برابری از بنیادی‌ترین اصول حقوق بشری به شمار می‌رود. ممانعت به عمل آوردن از مشارکت برابر برخی افراد در جامعه و عدم بهره‌برداری از توانایی‌های آنها منجر به محرومیت اجتماعی می‌شود. چنین روندی به‌طور مستقیم عامل تضعیف اهداف حقوق بشری است. بدین جهت شاید بتوان تبعیض را اصلی‌ترین مانع رعایت حقوق بشر به شمار آورد (Moon, 2011: 558). مهم‌ترین مواد حقوقی در زمینه تبعیض را

6. Study Group of International law commission

7. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)

می‌توان در منشور سازمان ملل متحد^۸ (بند ج ماده ۵۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر^۹ (ماده ۲) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (بند ۲ ماده ۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۰} (بند ۱ ماده ۲) مشاهده کرد. بر اساس این مواد قانونی نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، ملیت، خاستگاه اجتماعی، ثروت، محل تولد از مهم‌ترین عوامل تبعیض به شمار می‌روند. البته اسناد بین‌المللی دیگری همچون کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^{۱۱} (۱۹۷۹)، کمیته رفع تبعیض نژادی^{۱۲} (۱۹۶۵) و همچنین برخی قوانین حقوق بشری مفهوم تبعیض غیرمستقیم^{۱۳} را مطرح می‌کنند. این نوع تبعیض به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که در ظاهر تبعیض‌آمیز به نظر نمی‌رسند، اما اثرات ناشی از آن تبعیض‌آمیز است. به عبارت دیگر، یک عمل ممکن است نسبت به یک گروه تبعیض غیرمستقیم به شمار آید، در حالی که هدف آن عمل در ارتباط با آن گروه نبوده است. مهم‌ترین خصیصه قانونی این نوع از تبعیض، اثر محور بودن و موجه به نظر رسیدن هدف آن است (Tobler, 2008: 5-6). به عنوان مثال در برهه‌ای دولت زیمبابوه امکان آموزش رایگان را برای همگان فراهم ساخته بود؛ اما دولت با پذیرش سیاست تعدیل ساختار اقتصادی که در نهادهای پولی و اقتصادی بین‌المللی مورد تأکید است، مجبور شد این سیاست را متوقف سازد. در نتیجه بسیاری از دختران زیمبابوه‌ای که پیش از این امکان تحصیل آنها فراهم بود از تحصیل بازماندند؛ زیرا خانواده‌های آنها در هنگام تصمیم‌گیری مالی، پسران را بر دختران برای آموزش مقدم‌تر می‌شمردند (Sadasivam, 1997: 659-660). همچنین آزادسازی اقتصادی در بخش کشاورزی پیامدهای حقوق بشری به همراه دارد. این سیاست سبب رفاه اقشار خاصی از جامعه می‌شود؛ اما ممکن است به طور غیرمستقیم تأثیر منفی بر سطح رفاه، مسکن، امنیت غذایی و درآمد خرده‌کشاورزان و روستاییان داشته باشد (Harrison & Goller, 2008: 599; OHCHR, 2005: 2).

بر این اساس، تبعیضات موجود در سازمان جهانی تجارت بیشتر غیرمستقیم است تا اینکه مستقیم باشد. کشورهای در حال توسعه توان رقابت با کشورهای توسعه‌یافته در بخش‌هایی همچون خدمات، صنعت و کشاورزی را ندارند. همین مسئله یکی از دلایل عدم موفقیت دور مذاکراتی دوحه است (Kerin, 2008: 62)؛ بنابراین آزادسازی بازارهای داخلی در بسیاری از موارد سبب تبعیض غیرمستقیم در کشورهای در حال توسعه می‌شود.

8. United Nation Charter

9. Universal Declaration of Human Rights (UDHD)

10. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

11. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW)

12. Committee on the Elimination of Racial Discrimination (CERD)

13. Indirect Discrimination. Or de Jure Discrimination

عدم تبعیض در فصل اول و سوم عهدنامه گات به رسمیت شناخته شده است. بر اساس اصل عدم تبعیض و سیاست کامله‌الوداد دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت باید در قبال واردات از کشورهای مختلف و تولیدات داخلی خود سیاست‌های یکسانی داشته باشند (Schulz & Ball, 2005: 49). اگر دولت‌ها را بازیگران اصلی نظام بین‌الملل در نظر بگیریم، قاعده عدم تبعیض به‌وسیله سازمان جهانی تجارت و از طریق اصل کامله‌الوداد در میان آنها نهادینه شده است (Cottier & Oesch, 2011: 3). در دوره پس از جنگ جهانی دوم، اصل عدم تبعیض در میان طرفداران دو بلوک همچون دستاویز اقتصادی بود که مانع از تغییر شکل روابط تجاری متخاصم میان آنها می‌شد (Dawson, 2013: 4)؛ به این معنا که برقراری رابطه با بلوک متخاصم به معنای تبعیض در قبال هم‌پیمانان بود. با توجه به این پیشینه، عدم تبعیض در مفهوم اقتصادی آن را به راحتی نمی‌توان با تفسیر حقوق بشری این اصطلاح یکسان پنداشت. چه بسا در بسیاری از موارد همانند دو مثال بالا، اصل عدم تبعیض و آزادسازی اقتصادی خود نقضی بر عدم تبعیض از دیدگاه حقوق بشر باشد. در ادامه راهکاری برای تسهیل این مسئله ارائه شده است.

۱-۳. یکسان‌سازی و تسری مفهوم عدم تبعیض

عنصر اساسی اصل عدم تبعیض در مفهوم اقتصادی آن، وجود فرصت‌های برابر به‌منظور رقابت کالاها و تولیدکنندگان با یکدیگر است. تبعیض‌های مستقیم یا غیرمستقیم، باعث از بین رفتن فرصت‌های برابر می‌شود. از فرصت‌های برابر در سازمان جهانی تجارت باید تفسیری موسع به عمل آورد که مفاهیم حقوق بشری نیز در دایره شمول آن قرار گیرد. عدم تبعیض در اتحادیه اروپا ابتدا مفهومی کاملاً اقتصادی و تجاری داشت؛ اما در روند همگرایی این اصل در بطن مسائلی چون نژاد، جنسیت، مذهب و سایر اولویت‌های حقوق بشری قرار گرفت. به تدریج در این اتحادیه مفهوم فرصت‌های برابر از مفهومی صرفاً تجاری، به حوزه‌های چون برابری مردان و زنان و برابری دستمزد تسری یافت (Cottier & Oesch, 2011: 4-5).

هرچند اتحادیه اروپا سازمانی منطقه‌ای است، اما می‌توان از تجربیات آن به‌عنوان نهادی که در پیوند مفاهیم اقتصادی و حقوق بشری موفق عمل کرده است، بهره جست. کارکردگرایی و نوکارکردگرایی نیز پشتوانه نظری مناسبی برای تسری مفاهیم از حوزه‌های کم‌تنش به حوزه‌هایی که حساس‌تر هستند، فراهم می‌کنند. در این میان باید نقش ویژه‌ای برای کارهای تحقیقاتی و افکار عمومی قائل شد. در راستای پرکردن خلأ قانونی مسائل حقوق بشری در تجارت فراملی، دانشگاهیان و جامعه مدنی وظیفه مهمی بر عهده دارند. این دو گروه باید مسئولیت اجتماعی و انسانی نهادها را به‌گونه‌ای تعریف کنند که به‌عنوان اصطلاحی همگانی در نظر گرفته شود (Vidal-Leo'n, 2013: 897) تا بدین‌وسیله اذهان عمومی جامعه نسبت به تبعیض

از هر نوع و علیه هر گروه، نژاد و تفکری حساس شود. چنین رویکردی تا حدودی سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی را وامی‌دارد که اصل عدم تبعیض را نه صرفاً با انگیزه‌های اقتصادی و اغراض سیاسی بلکه به‌عنوان مفهومی حقوق بشری و به معنای حق برخورداری همگان از فرصت برابر به کار گیرند.

۴. شرایط عادلانه کار

به تناسب پیشرفت دستاوردهای بشر، نحوه سوءاستفاده از نیروی کار انسان نیز دگرگون شده است. بردگی در اشکال قدیمی آن در دنیای کنونی وجود ندارد، اما این به معنای بهره‌مندی همه انسان‌ها از شرایط کاری مناسب، به‌عنوان یکی از حقوق اولیه انسانی نیست. ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، برده‌داری در کلیه اشکال آن را ممنوع می‌داند. به‌علاوه مواد ۲۳ و ۲۴ همین اعلامیه به‌طور مستقیم به حقوق افراد در زمینه برخورداری از شرایط کاری مناسب، دستمزد منصفانه، حق استراحت و تعطیلات اشاره دارد. مواد ۶، ۷ و ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز حق انتخاب آزادانه شغل، ایمنی و بهداشت کار، تساوی فرصت‌ها در پیشرفت شغلی و حق تشکیل اتحادیه و سندیکا را برای افراد قائل است.

جهانی‌شدن محصولات باعث ایجاد پیوند بین مصرف‌کنندگان با کارگران کارخانه‌ها در آن سوی دنیا شده است. کارگرانی که معمولاً به خاطر دستمزد و شرایط کاری سخت تحت فشار هستند. چنین پیوندی باعث پیگیری حقوق کارگران از طریق شبکه‌های فراملی تحت عنوان نهادهای جامعه مدنی^{۱۴} شده است که شرکت‌های چندملیتی را هدف اصلی خود قرار داده‌اند. این فعالیت‌ها را در سه دسته می‌توان جای داد: نخست توانمندسازی کارگران از طریق تشکیل اتحادیه‌ها به‌منظور افزایش قدرت چانه‌زنی در مقابل دولت و شرکت‌ها؛ دوم استفاده از نهادهای بین‌المللی در سه بخش دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی؛ سوم فعالیت‌های تجاری داوطلبانه که استانداردهای کاری را مد نظر قرار می‌دهند (Fransen & Burgoon, 2013: 1-4). موضوع بحث این مقاله در دسته دوم جای می‌گیرد. این مسئله زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که دریابیم کارگران به‌عنوان بخشی از جامعه بشری، حق ارتقای استانداردهای زندگی خود در محیط کار را دارند؛ محیطی که بخشی از زندگی خود را در آن سپری می‌کنند. تجارت آزاد با ترویج رقابت میان صنایع و کالاها تأثیر منفی بر استانداردهای کار^{۱۵} بر جای می‌نهد؛ بدین ترتیب که تولیدکنندگان به‌منظور افزایش توان رقابتی خود با کاهش هزینه‌های تولید - که بخشی از آن به محیط کار و حقوق کارگران مربوط می‌شود - درصدد افزایش سود می‌باشند (Weiss et al,

14. Civil Society Organizations (SCOs)

15. Labor Standards

(1998: 68). بند ۴ اعلامیه وزرای کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت در سنگاپور (۱۹۹۶) تأکید دارد که استاندارد کاری نباید به عنوان دستاویزی برای اهداف حمایت‌گرایی باشد (Singapore Ministerial Declaration, 1996: 2). البته این اعلامیه با ذی‌صلاح دانستن سازمان بین‌المللی کار^{۱۶} در این زمینه، به نوعی از تعریف استاندارد کاری طفره رفته است؛ مسئله‌ای که بوجه / او تونگ، رئیس کنفرانس سنگاپور نیز به آن اشاره کرده است. کشورهای حوزه اسکاندیناوی، هلند و به‌طور کلی اتحادیه اروپا به حمایت از استانداردهای کاری در اعلامیه سنگاپور پرداختند. حتی مقامات آمریکایی تهدید کرده بودند در صورت عدم اشاره به استانداردهای کاری از امضای اعلامیه خودداری خواهند کرد. اما کشورهای در حال توسعه کردند از جمله مالزی و مصر آن را در راستای منافع کشورهای غربی تفسیر کرده و با آن مخالفت پرداختند (Leary, 1997: 119-120)؛ زیرا این طرز تفکر در کشورهای در حال توسعه وجود دارد که شعار حمایت از استانداردهای کاری به منظور تضعیف توان رقابتی آنها در برابر کشورهای پیشرفته است و حمایت از استانداردهای کاری در نهادهای تجاری و اقتصادی، دارای وجوهی پنهان از سیاست‌های حمایت‌گرایی است (Razavi, 2013: 8). به همین دلیل، همواره این خطر وجود دارد که حتی اگر حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار بگیرد، این بیشتر با انگیزه‌های اقتصادی است تا حقوق بشری (Trachtman, 2006: 641). البته خود این انگیزه اقتصادی نیز با هدف اصلی سازمان جهانی تجارت یعنی حذف تدریجی تعرفه‌ها و برداشتن موانع تجاری در تضاد است. مادامی که انگیزه‌های رقابتی در پشت اصول حقوق بشری از جمله «شرایط کاری مناسب» نهفته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که کشورهای در حال توسعه از تصویب چنین طرح‌هایی در سازمان جهانی تجارت حمایت کنند؛ زیرا کشورهای در حال توسعه معتقدند هدف کلیدی سازمان جهانی تجارت در کنار رقابت و آزادسازی تجاری، کمک به روند توسعه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز هست (Debra, 2007: 492).

۵. تقویت بعد درونی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

اصطلاح مسئولیت اجتماعی شرکت‌های ناظر بدین معنی است که تولیدکنندگان صرفاً متصدی فراهم کردن کالا و خدمات نیستند، بلکه بازیگرانی اجتماعی و محیط‌زیستی در اقتصاد جهانی می‌باشند و روند تولید آنها از نزدیک مورد رصد قرار می‌گیرد. مسئولیت اجتماعی نهادها دارای دو بعد درونی و بیرونی است. بعد بیرونی، مسئولیت کلی شرکت در قبال جامعه را شامل می‌شود که بیشتر با مسائل زیست‌محیطی در ارتباط است. بعد درونی آن سابقه‌ای دیرینه دارد که ناظر بر فعالیت‌های درونی شرکت است و اقداماتی در ارتباط با ایمنی و سلامت کارکنان را

در برمی‌گیرد. گسترش و تقویت هر یک از این دو بعد در سطح جهانی سبب ارتقای موازین حقوق بشری خواهد شد. در حال حاضر استانداردهای بین‌المللی مشخصی در این زمینه وجود ندارد که به‌نوبه خود خطر ایجاد استانداردهای دوگانه را به همراه دارد. لذا به‌منظور بهبود شرایط کاری باید برنامه‌های رفتاری مشخصی را تعریف کرد و ملاک عمل قرار داد (Vidal-Leo'n, 2013: 895-898). البته سازوکارهایی در خود سازمان وجود دارد که می‌توانند این وظیفه را بر عهده گیرد. به‌عنوان مثال «موافقت‌نامه محدودیت‌های فنی تجارت»^{۱۷} نقش متوازن‌کننده را در سازمان بر عهده دارد؛ زیرا این موافقت‌نامه از یک‌سو مانع از ایجاد محدودیت‌های غیرضروری در مسائل تجاری می‌شود و از سوی دیگر حق کشورها را برای تنظیم مقررات خاص به رسمیت می‌شناسد. در بند ۲ ماده دو این توافق‌نامه اجازه برقراری محدودیت‌های تجاری در موارد ضروری داده شده است. یکی از موارد ضروری حفاظت از سلامت و ایمنی انسان است (TBT, 1994). بعد درونی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، در ارتباط با محیط کار دعوای اصلی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است. چنان‌که گفته شد، تحمیل استانداردهای سنگین معمولاً با مخالفت کشورهای در حال توسعه همراه است. به همین دلیل، برای جلوگیری از مخالفت‌ها می‌توان با تنظیم مقررات مشترک در سطح پایین و در دوره زمانی مشخص به دغدغه کشورهای در حال توسعه در زمینه افزایش یک‌باره هزینه‌ها پاسخ مناسبی داد. سپس بر اساس یک برنامه کاری معین و از پیش تعیین‌شده، استانداردهای محیط کاری را در طول زمان ارتقا داد؛ زیرا کشورهای در حال توسعه برای ارتقای شرایط کاری به زمان بیشتری نیاز دارند. البته نقش اتحادیه و سندیکاهای کارگری داخلی و همچنین جایگاه سازمان بین‌المللی کار^{۱۸} در این زمینه را نباید از یاد برد.

۶. رعایت مؤلفه‌های ضروری محیط‌زیست

چندبعدی بودن مسئله محیط‌زیست، زمینه طرح آن به‌عنوان مسئله‌ای حقوق بشری را مهیا کرده است. محیط‌زیست به‌عنوان مقوله‌ای جدیدتر در نسل سوم حقوق بشر جای می‌گیرد. از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های حقوق بشر مکمل بودن و وابسته‌بودن اصول مختلف آن به یکدیگر است (امیدی، ۱۳۸۸: ۳۰۵-۳۰۳). به همین دلیل، حق برخورداری از محیط‌زیست سالم متممی است که بدون آن دیگر اصول بنیادین حقوق بشری همچون حق حیات، حق بهداشت، حق استانداردهای بالاتر زندگی محقق نخواهد شد. نخستین بار مسئله محیط‌زیست در اعلامیه استکهلم^{۱۹} ۱۹۷۲ به‌عنوان موضوعی حقوق بشری مدنظر قرار گرفت (Francioni,

17. Agreement on Technical Barriers to Trade (TBT)

18. International Labor Organization (ILO)

19. Stockholm Declaration

44) 2010. بند نخست این اعلامیه بیان می‌دارد: «... حفاظت از محیط طبیعی و محیط ساختگی از ملزومات سلامتی و بهره‌مندشدن از حقوق ابتدایی بشر است». از سوی دیگر روند و روش تولید^{۲۰} محصولات ارتباط تنگاتنگی با حفظ محیط‌زیست و حیوانات دارد. ممکن است کشور الف واردات یک محصول را از کشور ب به علت آسیب به حیوانات و محیط‌زیست در روند تولید، ممنوع اعلام کند؛ در حالی که همان محصول را از کشور ج بدون ممنوعیت وارد می‌کند. این در حالی است که فلسفه وجودی سازمان جهانی تجارت، اساساً جلوگیری از ممنوعیت‌های تجاری است (Archibald, 2008: 15). در عین حال طرفداران محیط‌زیست معتقدند در صورتی که حمایت از محیط‌زیست با اقدامات تجاری پشتیبانی نشود، کارایی لازم را از دست خواهد داد. البته حمایت از محیط‌زیست می‌تواند دستاویزی برای برخی از کشورها به منظور جاه‌طلبی‌های اقتصادی باشد. به این منظور در دور اروگوئه کمیته‌ای با عنوان محیط‌زیست و تجارت^{۲۱} تشکیل شد که مسئول بررسی رابطه بین تجارت و محیط‌زیست است (Khalilian, 2009: 1-2). کارهای کمیته بر مبنای دو اصل اساسی صورت می‌گیرد. نخست اینکه، سازمان جهانی تجارت فقط در زمینه مسائل تجاری ذی‌صلاح است. به عبارتی این کمیته فقط به بررسی تأثیرات مسائل زیست‌محیطی بر تجارت می‌پردازد. دیگر مسائل زیست‌محیطی بهتر است در نهادهای مربوط پیگیری شود. تاکنون حدود ۲۰۰ موافقت‌نامه چندجانبه محیط‌زیستی^{۲۲} امضا شده است. فقط ۲۰ مورد از آنها شامل مواردی است که می‌تواند بر تجارت تأثیرگذار باشد. از مهم‌ترین این توافقنامه‌ها پروتکل مونترال در مورد محافظت از لایه اوزون^{۲۳} (۱۹۸۷)، کنوانسیون بازل سوئیس در مورد تجارت یا حمل‌ونقل مواد خطرناک در مرزهای بین‌المللی^{۲۴} (۱۹۸۹) و کنوانسیون تجارت فراملی در مورد گونه‌های در خطر انقراض^{۲۵} (۱۹۹۲) می‌باشند. دوم اینکه، اگر سازمان جهانی تجارت مشکلی زیست‌محیطی را مورد بررسی قرار داد راه‌حل آن موضوع در نهایت باید به تقویت نظام اقتصادی سازمان جهانی تجارت منجر شود. هر مسئله زیست‌محیطی نیز که مورد توجه اعضا باشد، قابلیت طرح‌شدن در کمیته را دارد (WTO, 2011: 65). به‌طور کلی رویه سازمان جهانی تجارت چنین است که به‌منظور صیانت از محیط‌زیست، توافقنامه‌های چندجانبه محیط‌زیستی را بر اقدامات یک‌جانبه تجاری ترجیح می‌دهد.

20. Process and production method (PPM)

21. Trade and Environment Committee (TEC)

22. Multilateral Environmental Agreements (MEAs)

23. Montreal Protocol for the Protection of the Ozone layer

24. Basel Convention on the trade or Transportation of Hazardous waste across International Borders

25. Convention on International Trade in Endangered Species (CITES)

با وجود اینکه عدم تبعیض تجاری و تجارت آزاد از اهداف اصلی سازمان جهانی تجارت است، این سازمان برای حفظ محیطزیست ناچار از وضع محدودیت‌های خاص بر روی برخی از کالاها است؛ هرچند این محدودیت‌ها نباید به صورت سیاست‌های حمایت‌گرایی درآید. بنابراین هماهنگ‌سازی مقررات^{۲۶} محیطزیستی به منظور جلوگیری از تبعیض و اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه امری ضروری است. به این منظور موافقت‌نامه‌هایی از جمله موافقت‌نامه محدودیت‌های فنی تجارت^{۲۷} (۱۹۹۴) و توافقنامه استانداردهای بهداشتی گیاهی^{۲۸} (۱۹۹۳)، در سازمان جهانی تجارت وضع شده است. بر اساس این توافقنامه‌ها، هرگونه محدودیت و ممنوعیت تجاری که به مسئله محیطزیست مرتبط باشد باید توجیه علمی در زمینه عوامل بیماری‌زا و آلاینده‌ها داشته باشد (Kelly, 2003: 133-134). با این وجود، جریان هماهنگ‌سازی با مخالفت‌هایی همراه است. کشورهای در حال توسعه نگران هستند که مبدا استانداردهای فراگیر، هزینه دستیابی به منابع اقتصادی را بیش از حد افزایش دهد. همچنین این کشورها استانداردهای یکسان را بهانه‌ای در دست کشورهای توسعه یافته برای حفظ بازار کار ملی خود می‌دانند. از سوی دیگر، کشورهای توسعه یافته همواره دغدغه دارند که مبدا استانداردهای هماهنگ زیست-محیطی در سطحی پایین‌تر از آنچه در کشورهای توسعه یافته وجود دارد، وضع شود. بدین سبب همواره به کشورهای در حال توسعه فشار وارد می‌کنند (Zagel, 2005:5; Dunkley, 2000: 126-127). ذکر این نکته نیز ضروری است که بر اساس مطالعات انجام گرفته، بین فرایند آلودگی و توسعه اقتصادی رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ به این معنا که کشورهای در حال توسعه همواره میزان آلودگی بیشتری را ایجاد می‌کنند (ارباب و عباسی فر، ۱۳۹۱: ۱). این روند را خود کشورهای توسعه یافته نیز در سده‌های گذشته طی کرده‌اند. البته سطح بالاتر استاندارد در یک کشور نمی‌تواند به کشورهایی که سطح لازم استاندارد را رعایت می‌کنند، تحمیل شود. چنانچه در مسئله گوشت‌های هورمونی، اروپا واردات گوشت از آمریکا و کانادا را ممنوع کرد که سبب شکایت این دو کشور از اروپا در سازمان جهانی تجارت شد. در نهایت سازمان اعلام کرد که تعیین استاندارد واردات موضوعی نیست که به طور مطلق در اختیار کشورها باشد، بلکه حد نصاب مشخصی برای اقدامات احتیاطی وجود دارد (Schulz & Ball, 2005: 55).

۷. حق دسترسی به دارو

بند ۴ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حق برخورداری از بهداشت مناسب و مبارزه علیه بیماری‌ها اشاره دارد. بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

26. Harmonization Provisions

27. Agreement on Technical Barriers to Trade (TBT)

28. Agreement on Sanitary and Phytosanitary Standards (SPS)

نیز به حق هر شخص برای برخورداری از مراقبت‌های پزشکی تأکید دارد. از سوی دیگر، ماده ۲۷ همین اعلامیه و ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق مالکیت فکری برخورداری از منافع و مزایا هر محصول علمی را برای پدیدآورنده آن به رسمیت می‌شناسد. حق برخورداری از دارو و مالکیت فکری، در سازمان جهانی تجارت وضعیت پیچیده‌ای به خود گرفته است.

حق بهداشت و سلامت و در ذیل آن حق برخورداری از دارو از سه بخش به هم مرتبط تشکیل شده است که شامل موجود بودن، قابل دسترس بودن و همچنین استاندارد و کیفیت دارو است (Oke, 2013: 98). هر کدام از این سه بخش گاهی تحت تأثیر حق برخورداری از مالکیت فکری قرار می‌گیرد. حق مالکیت فکری در اختراع و تولید، موجب کسب درآمدهای مورد انتظار توسط تولیدکنندگان و مخترعان می‌شود. همین مسئله عامل ایجاد انگیزه برای تحقیق و توسعه^{۲۹} بیشتر توسط محققان و تولیدکنندگان است. به طوری که بر اساس بررسی کارلوس کورا، در کشورهای توسعه‌یافته بخش دولتی معمولاً حدود ۴۴ درصد و بخش خصوصی حدود ۴۸ درصد از بودجه خود را به جریان تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهند (Correa, 2009: 266). البته عکس این موضوع نیز صادق است؛ یعنی پایین نگه‌داشتن استانداردهای حمایت از مالکیت فکری و ثبت اختراع، سبب کاهش درآمد و به تبع آن کاهش انگیزه تحقیق و سرمایه‌گذاری می‌شود. مصرف‌کنندگان کالاها به طور عام و مصرف‌کنندگان داروها و بیماران به طور خاص همواره هزینه بالایی را به منظور تداوم فرایند تحقیق و توسعه می‌پردازند (Abbot, 2002: 473). این ادعا مورد تأیید گروه کاری بین‌دولتی سلامت عمومی، نوآوری و مالکیت فکری^{۳۰} که در سازمان بهداشت جهانی تشکیل شده است، نیز می‌باشد (Makes, 2009: 88).

بر اساس ماده هفت موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مالکیت فکری^{۳۱}، حق مالکیت فکری باید منجر به رفاه اقتصادی و اجتماعی بیشتر شود. ماده هشت نیز این اجازه را به دولت‌ها می‌دهد که در راستای سایر مواد عهدنامه تدابیر ضروری غذایی و دارویی را اتخاذ کند (TRIPRs, 1994). اما از همین موافقت‌نامه نیز سوءاستفاده‌هایی برخلاف موازین حقوق بشری به عمل می‌آید. به عنوان مثال، نمی‌توان هیچ تناسبی بین حقوق بشر و مالکیت فکری در شرایطی که دولت‌ها و شرکت‌ها از دادن دارو به بهانه مالکیت فکری خودداری کنند (Petersman, 2001: 4; Oke, 2013: 98) یا قیمت‌های گزاف را به دلیل تحقیق و توسعه به بیمارانی که توانایی پرداخت هزینه‌ها را ندارند تحمیل کنند، برقرار کرد. حتی در برخی از کشورهای در حال توسعه، تحقیق و

29. Research and Development (R&D)

30. Intergovernmental Working Group on Public Health, Innovation and Intellectual Property

31. Trade-Related Intellectual Property Rights (TRIPR)

توسعه لازم در زمینه کشف داروها و درمان بیماری‌ها رایج صورت نمی‌گیرد؛ زیرا بسیاری از مردمان کشورهای درحال توسعه توان پرداخت هزینه بالای داروها را ندارند. بیماری مالاریا در کشورهای آفریقایی، در زمان خود مصداق بارزی برای این موضوع بود.

۸. همکاری با سایر نهادهای بین‌المللی

سازمان بهداشت جهانی با تجربیات خود این قابلیت را دارد که در زمینه مباحث تخصصی و ریزه‌کاری‌های موجود در زمینه دارو به سازمان جهانی تجارت و اعضای آن مشاوره و کمک بدهد. بدین منظور گروه‌های کاری در سازمان جهانی تجارت تشکیل شده است؛ اما ایفای نقش توسط سازمان بهداشت جهانی در سازمان جهانی تجارت با مخالفت کشورهای اروپایی و آمریکا مواجه است (Abbott, 2002: 474-475). درحالی‌که کشورهای عضو اتحادیه اروپا با اشراف به مسئله حقوق بشر و اهمیت دارو، برای حفظ سلامتی شهروندان خود و پیشرفت صنایع دارویی اجازه استفاده از دستاوردها و نوآوری‌های جدید در روابط میان خود را می‌دهند (Oke, 2013: 97). اما انگیزه سودجویی مانع از انتقال این تجربیات در سطح جهانی است. چنین تناقضاتی نیازمند استفاده از تجربیات نهادهای مربوط همچون سازمان بهداشت جهانی و سازمان جهانی مالکیت فکری^{۳۲} در سازمان جهانی تجارت است؛ چنان‌که ذکر شد استانداردهای دوگانه و انگیزه سودجویی مانع از برقراری چنین رابطه‌ای شده است. رابطه میان حق مالکیت فکری و حقوق بشر را به سه صورت می‌توان تصور کرد. نخست رهیافت انقیادآمیز^{۳۳} که بر اساس آن در صورت تناقض بین حقوق بشر و مالکیت فکری، حقوق بشر باید در اولویت قرار گیرد. دوم، رهیافت یگانگی که حقوق بشر و مالکیت فکری را عین یکدیگر می‌داند و بین آنها هیچ تناقضی نمی‌بیند. رویکرد سوم دیدگاهی میانه است که تمایز میان حقوق بشر و مالکیت فکری را می‌پذیرد؛ اما معتقد به همزیستی میان این دو است که نگرانی‌های مشترکی دارند. این دیدگاه میزان بهینه‌ای از حق ثبت اختراع و نوآوری را در نظر می‌گیرد (Gold, 2013: 186-188). در این راستا، یکی از تلاش‌های سازمان جهانی تجارت در این راستا اعلامیه کنفرانس وزیران دوحه ۲۰۰۱ است که در آن قید شده موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری باید به گونه‌ای تفسیر و اجرا شود که ضامن حمایت از بهداشت و سلامت عمومی باشد (Abbot, 2005: 317). به نظر نگارندگان با عنایت به رهیافت سوم و با استفاده از راهنمایی سازمان‌های همچون سازمان جهانی تجارت و سازمان جهانی مالکیت فکری می‌توان سطح بهینه‌ای از مالکیت فکری را به‌طور دقیق تعریف کرد که در تناقض با حقوق بشر نیز قرار نگیرد. هرچند که طی کردن این

32. World Intellectual Property Organization (WIPO)

33. Subjugation approach

مسیر نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر است. استفان پی مارکس نیز در مطالعه خود در سال ۲۰۰۹ پیشنهاد می‌کند که نظام مالکیت فکری در قبال کشورهای کمتر توسعه‌یافته را برای دسترسی به دارو انعطاف‌پذیرتر شود. البته این تعدیل باید با توجه به توانایی کشورها در فراهم کردن دارو برای اتباع خود تدوین شود (Marke, 2009: 88)؛ لذا این تعدیل در یک کشور نسبت به کشور دیگر می‌تواند متفاوت باشد.

فرجام

حوزه‌های مشترک بین حقوق بشر و تجارت آزاد دارای تناقضاتی بالقوه است که در سازمان جهانی تجارت پررنگ‌تر از سایر نهادهای بین‌المللی به چشم می‌خورد. برخی از این تناقضات بالقوه در سازمان جهانی تجارت به صورت بالفعل درآمده است. در این مقاله تأثیر منافع ملی کشورها به عنوان متغیر مستقل، بر چند اصل حقوق بشری به عنوان متغیرهای وابسته، در سازمان جهانی تجارت مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بود که منافع ملی کشورها چه تأثیراتی بر حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت صرفاً یک مسئله حقوقی محض نیست که بتوان با اتکا به قوانین بین‌المللی و قراردادهای منعقد شده میان کشورها به تبیین آن پرداخت، بلکه دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و اخلاقی نیز است. هدف اصلی کشورها در سازمان جهانی تجارت بیشینه‌سازی منافع ملی از طریق هماهنگ‌سازی فعالیت‌های اقتصادی است. هرچند پیمان‌ها و اعلامیه‌هایی برای حمایت از حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت شکل گرفته است؛ اما بر اساس رویه‌های رایج در سازمان جهانی تجارت، حقوق بشر بیشتر به عنوان ابزاری برای رقابت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. با بررسی چهار مصداق حقوق بشری تأیید شد کشورها در صورتی به حمایت از حقوق بشر می‌پردازند که تأمین‌کننده منافع ملی آنان باشد و در غیر این صورت، حساسیتی در قبال مصادیق حقوق بشر ندارند؛ بنابراین فرضیه مقاله مبنی بر اینکه رقابت کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تأثیر منفی بر حقوق بشر می‌گذارد، تأیید شد. البته رابطه بین حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت نه همکاری جویانه صرف و نه کاملاً تعارض‌گونه است، بلکه در مصادیق گوناگون، غلظت همکاری و تعارض متفاوت است.

حق برخورداری از پیشرفت اقتصادی و توسعه نباید به تضعیف حقوق بشر بینجامد، بلکه باید به تقویت آن کمک کند. تفاوت کشورها به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی از واقعیت‌های جهان معاصر است. دولت‌های در حال توسعه همواره این شبهه را القا می‌کنند که دولت‌های توسعه‌یافته از حقوق بشر استفاده ابزاری می‌کنند و با طرح مسائل حقوق بشری در سازمان

جهانی تجارت درصدد سودجویی بیشتر و تضعیف توان رقابتی آنها هستند. اختلاف نظرهای موجود میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، در سازمان جهانی تجارت تأثیرات منفی بر مصادیق حقوق بشری دارد. در پایان نیز ذکر این نکته ضروری است که هر چند نهادها و سازمان‌هایی وجود دارند که حقوق بشر کاملاً در حیطه تخصصی آنها است، اما با توجه به وابستگی متقابل در دنیای کنونی، ابزاری نیرومندتر از اقتصاد برای ارتقای جایگاه حقوق بشر نمی‌توان یافت. سازمان جهانی تجارت به‌عنوان یکی از کارگزاران تأثیرگذار در عرصه اقتصاد جهانی، می‌تواند بازوی قدرتمندی برای ارتقا و گسترش حقوق بشر در نظام بین‌الملل و روابط میان کشورها باشد. موارد زیر به‌عنوان پیشنهادهایی برای ارتقای سازواری منافع ملی کشورها با حقوق بشر در این پژوهش ارائه شد:

- یکسان‌سازی و تسری مفهوم عدم تبعیض از مقولات اقتصادی به مفاهیم حقوق بشری شبیه آنچه در اتحادیه اروپا رخ داده است؛
- تقویت ابعاد درونی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌وسیله دانشگاهیان و تقویت افکار عمومی به‌منظور بهبود شرایط کاری کارگران؛
- هماهنگ‌سازی مقررات محیط‌زیستی در سازمان جهانی تجارت و حرکت گام‌به‌گام در این زمینه، به‌منظور جلوگیری از آسیب دیدن صنایع کشورهای در حال توسعه؛
- اتخاذ دیدگاه میانه در مورد رابطه مالکیت فکری و حق دسترسی به دارو و استفاده از تجربیات سایر نهادهای بین‌المللی همچون سازمان بهداشت جهانی و سازمان جهانی مالکیت فکری در این زمینه.

پی‌نوشت:

(۱) تحلیل محتوای اسناد بین‌المللی حقوق بشری نشان می‌دهد که حقوق بشر را می‌توان در هفت دسته تقسیم‌بندی کرد: ۱. حقوق امنیتی؛ ۲. حقوق سیاسی؛ ۳. حقوق دادرسی؛ ۴. حقوق برابری؛ ۵. حقوق رفاه؛ ۶. حقوق زیست‌محیطی و ۷. حقوق گروه‌ها.

منابع فارسی

ارباب، حمیدرضا و زهره عباسی‌فر (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه آلودگی آب و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته»، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، دوره یکم، شماره ۳: ۱۶-۱.

امیدی، علی (۱۳۸۸)، *حقوق بین‌الملل در نظریه و عمل*، تهران: میزان.

ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ سی‌وهفتم، تهران: گنج دانش.

منابع لاتین

- Abbott, F. M. (2005), "The WTO medicines decision: World pharmaceutical trade and the protection of public health", *American Journal of International Law*, Vol.99, No.2: 317-358.
- Abbott, Frederick M (2002), "The Doha declaration on the TRIPS agreement and public Health: lighting a dark corner at the WTO", *Journal of International Economic Law*, Vol.5, No.2: 469-505.
- Archibald, Catherine Jean (2008), "Forbidden by the WTO-Discrimination against a Product When Its Creation Causes Harm to the Environment or Animal Welfare", *Natural Resources Journal*, Vol.48: 15-52.
- Article xx General exception (1947), Available at: http://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/gatt_ai_e/art20_e.pdf, (accessed on: 30 march 2014).
- Charnovitz, Steve (2007), *Trade and the Environment in the WTO*, GW Law Faculty Publications & Other Works.
- Correa, C. M. (2009), "11 Intellectual Property Rights and Inequalities in Health Outcomes", *Globalization and health: Pathways, evidence and policy*, 263-288.
- Cottier, T. (2002), "Trade and Human Rights: a relationship to discover", *Journal of International Economic Law*, Vol.5, No.1: 111-132.
- Cottier, T., & Oesch, M. (2011), *Direct and Indirect Discrimination in WTO Law and EU Law (No.194)*.
- Dawson, L. R. (2013), "Labour mobility and the WTO: the limits of GATS Mode 4", *International Migration*, Vol.51, No.1: 1-23.
- Debra, Steger (2007), "The Culture of the WTO: Why Need to Change," *Journal of international Economic Law*, vol.10, No.3: 483-495.
- Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (1967), Available at: <http://www.unep.org/Documents.Multilingual/Default.asp?documentid=97&articleid=1503>.(accessed on: 14 April 2014).
- Dunkley, G. (2000), *The Free Trade Adventure: The WTO, the Uruguay Round and Globalism--a Critique*, Zed Books.
- Fransen, L., & Burgoon, B. (2015), "Global Labour Standards Advocacy by European Civil Society Organizations: Trends and Developments", *British Journal of Industrial Relations*, Vol.53, No.2: 204-230.

- Gallagher, K. P. (2007), "Understanding developing country resistance to the Doha round", *Review of international political economy*, Vol.15, No.1: 62-85.
- Gold, E. R. (2013), "Patents and human rights: A heterodox analysis", *The Journal of Law, Medicine & Ethics*, Vol.41, No.1: 185-198.
- Harrison, J., & Goller, A. (2008), "Trade and human rights: What does 'impact assessment' have to offer?", *Human Rights Law Review*, Vol.8, No.4: 587-615.
- Herwig, Alexia (2013), "WTO Non-Violation or Situation Complaints: A Remedy for Extraterritorial Effects on the Human Right to an Adequate Standard of Living", *Global Policy*, Vol.3, No.4: 471-475.
- Hilpold, P. (2011), "WTO law and human rights: Bringing together two autopoietic orders", *Chinese Journal of International Law*, Vol.10, No.2: 323-372.
- International Law Commission. (2006), Conclusions of the work of the Study Group on the Fragmentation of International Law: Difficulties arising from the Diversification and Expansion of International Law, *Yearbook of the International Law Commission*, 2(part 2).
- Joseph, S. (2013), *Blame it on the WTO: a human rights critique* (p.327), Oxford University Press.
- Kelly, T. (2003), "The WTO, the environment and health and safety standards", *The World Economy*, Vol.26, No.2: 131-151.
- Khalilian, S. (2009), *The WTO and environmental provisions: three categories of trade and environment linkage* (No.1485), Kiel Working Paper.
- Leary, Virginia A (1997), "WTO and the Social Clause: Post-Singapore", *Eur. J. Int'l L.*, No.8: 118-122.
- LeBlanc, L. J. (1995), *The convention on the rights of the child: United Nations lawmaking on human rights* (Vol.3), Univ of Nebraska Pr.
- Lim, Aik Hope (2001), "Trade and Human Rights: What's at Issue?", SSRN Social Science Research Network, available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1682245, (Accessed on: 6 April 2014).
- Marks, S. P. (2009), "Access to essential medicines as a component of the right to health", *Realizing the right to health*, Zurich, Switzerland: Rüfer and Rub, 82-101.
- Moon, G. (2011), "Fair in Form, But Discriminatory in Operation—WTO Law's Discriminatory Effects on Human Rights in Developing Countries", *Journal of International Economic Law*, Vol.14, No.3: 553-592.

- OHCHR (2005), "HUMAN RIGHTS AND WORLD TRADE AGREEMENTS Using general exception clauses to protect human rights", Office of the United Nation High Commissioner for Human Rights, Available at: <http://www.ohchr.org/Documents/Publications/WTOen.pdf>, (Accessed on: 25 April 2014).
- OHCHR (2014), Available at: <http://www.ohchr.org/english/countries/ratification/index.htm>, (Accessed on: 22 April 2014).
- Oke, E. K. (2013), "Incorporating a right to health perspective into the resolution of patent law disputes", *Health and Human Rights Journal*, Vol.15, No.2.
- Petersmann, E. U. (2000), "The WTO constitution and human rights", *Journal of International Economic Law*, Vol.3, No.1: 19-25.
- Petersmann, Ernst-urich (2001), "Human Right and International economic Law in The 21st Century", *Journal of international Economic law*, Vol.4, No.1: 3-39.
- Razavi, S. M. (2013), "Labor Rights and Free Trade; Social Development Parallel to Economic Development", *Willamette J. Int'l L. & Dis. Res.*, 21, 79.
- Sadasivam, B. (1997), "The impact of structural adjustment on women: A governance and human rights agenda", *Human Rights Quarterly*, Vol.19, No.3: 630-665.
- Schultz, J., & Ball, R. (2007), "Trade as a Weapon-The WTO and Human Rights-Based Trade Measures", *Deakin L. Rev.*, Vol.12, No.1: 42-80.
- Sengupta, A. (2002), "On the Theory and Practice of the Right to Development", *Human Rights Quarterly*, Vol.24, No.4: 837-889.
- SINGAPORE MINISTERIAL DECLARATION (1996), available at: https://docs.wto.org/dol2fe/Pags/FE_Search/FE_S_S006.aspx?&Language=ENGLISH, (Accessed on: 12 April 2014).
- TBT (1994), "AGREEMENT ON TECHNICAL BARRIERS TO TRADE", Available At: <http://www.wto.org>, (Accessed on: 3 May 2014).
- Tobler, C. (2008), *Limits and potential of the concept of indirect discrimination:(for the Commission)*, Office for Official Publications of the European Communities.
- Trachtman, J. P. (2006), "The Constitutions of the WTO", *European Journal of International Law*, Vol.17, No.3: 623-646.
- TRIPRS (1994), "AGREEMENT ON TRADE-RELATED ASPECTS OF INTELLECTUAL PROPERTY RIGHTS", Available at: http://www.wipo.int/treaties/en/text.jsp?file_id=305907, (Accessed on: 29 April 2014).
- Vidal-León, C. (2013), "Corporate social responsibility, human rights, and the world trade organization", *Journal of International Economic Law*, Vol.16, No.4: 893-920.

WTO (2011), "World Trade Organization Understanding the WTO", Written and published by the World Trade Organization, Available at: <http://www.wto.org>, (Accessed on: 20 April 2014).

Zagel, Gurdun Monika (2005), "WTO & Human Rights: Examining Linkages and Suggesting Convergence", *IDLO Voices of Development Jurists*, Vol.2, No.2: 1-37.